

## وضعیت‌سنجی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران در ابتدای دهه چهارم انقلاب اسلامی قوت‌ها و ضعف‌ها؛ فرصت‌ها و تهدیدها

صادق سلیمی بنی \*

### چکیده

شناسایی نقاط قوت و ضعف و تشخیص فرصت‌ها و درک تهدیدات، از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت ملی کشورها است. از این‌رو کشف و استخراج متغیرهای چهارگانه مذکور ارتباط تنگاتنگی با تأمین یا کاهش و حتی از میان رفتن امنیت ملی و ادامه حیات سیاسی واحدهای سیاسی مستقل دارد. با این رویکرد، بررسی و پژوهش درباره قوت و ضعف‌ها و نیز فرصت‌ها و تهدیدات فعلی و احتمالی نظام مقدس جمهوری اسلامی اهمیت حیاتی می‌یابد.

### واژگان کلیدی

نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها، تهدیدها، نظام جمهوری اسلامی، دهه چهارم انقلاب اسلامی.

dr.sadegh\_salimi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۸

\*. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام.

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۱۷

## مقدمه

کارشناسان علوم اجتماعی، به خصوص نظریه‌پردازان علوم سیاسی درباره تعاریف واژه‌های نقاط قوت و ضعف و تشخیص فرصت‌ها و درک تهدیدات اتفاق نظر ندارند. به همین دلیل در ابتدا، تنها به بیان مقصود و تعریف خود از آن واژه‌ها بسنده می‌کنیم.

به استعدادها، قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های گوناگون درونی یک نظام سیاسی که با بهره‌گیری از آنها می‌توان در عرصه‌های مختلف به اهداف مورد نظر دست یافت، نقاط قوت گفته می‌شود. مثلاً اگر استعدادها، ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های درونی، سیاسی باشد و هدف مورد نظر نیز سیاسی باشد، آن نقطه قوت، سیاسی به شمار می‌آید. به همین صورت در زمینه‌ها و عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی - امنیتی نیز نقاط قوت مورد نظر موضوعیت می‌یابد.

به عوامل، پدیده‌ها، موقعیت‌ها و شرایط گوناگون داخلی که زمینه‌ساز تحمل خسارت، فریب و حتی شکست یک نظام سیاسی می‌گردد نیز نقاط ضعف می‌گویند. نقاط ضعف همانند نقاط قوت می‌تواند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و مانند آن مصداق پیدا کند.

نکته مهم این است که نقاط قوت و ضعف در هر نظام سیاسی، جنبه درونی دارد و در عرصه داخلی آن کشور ظهور می‌یابد. از همین رو میزان تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت و افزایش دامنه قوت‌ها و کاهش میزان ضعف‌های یک نظام سیاسی، نقش بسزایی در تعیین معدل هنرمندی سیاستمداران و هیئت حاکمه کشورها دارد.

امکان بهره‌برداری به موقع و صحیح از شرایط و تحولات مختلف پیش آمده در عرصه خارجی به وسیله تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی نظام‌های سیاسی «فرصت» نامیده می‌شود. بهره‌گیری از این فرصت‌ها به منظور تحکیم علایق، اهداف و منافع و امنیت ملی صورت می‌گیرد و با توجه به جهت و سمت و سوی آن، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی و ... نامیده می‌شود.

تهدیدهای خارجی نیز، مقاصد، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات گوناگون رقبا و دشمنان در عرصه خارجی است که به منظور ممانعت از موفقیت و یا ایجاد مخاطره در دستیابی به علایق، مقاصد، منافع بنیادین و امنیت ملی یک کشور اعمال می‌شود. گوناگونی تهدیدات متوجه یک نظام سیاسی، در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی - امنیتی پدیدار می‌شود.

استفاده نکردن حاکمان از فرصت‌های پیش آمده (فرصت‌سوزی)، در اختیار قرار دادن فرصت جدیدی به رقبا و دشمنان و نیز شکل دادن تهدید تازه‌ای علیه خود است. بر این اساس، هنر دولتمردان هر کشور، در تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و بهره‌برداری بهینه از آنها است. از آنجا که اساسی‌ترین کارویژه حکومت‌ها در قلمرو مسائل سیاسی تبلور می‌یابد، مقاله حاضر درصدد است تا قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی در حوزه مسائل سیاسی مرتبط با سرنوشت نظام جمهوری اسلامی در سال‌های آغازین دهه چهارم انقلاب را شناسایی و در اختیار مسئولان، سیاست‌مداران، تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و جامعه علمی کشور قرار دهد.

### نقاط قوت سیاسی

اسلامیت، جمهوریت و تفکیک قوا، استقلال در سیاست خارجی، پرسشگری و نظارت عمومی، برجسته‌ترین شاخصه‌های قوت‌بخش نظام مردم‌سالاری دینی ایران هستند که هر یک از آنها در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱. اسلامیت

اسلامیت از آن جهت، نقطه قوت سیاسی محسوب می‌شود که اکثریت مردم ایران مسلمان و خواست قلبی آنها حاکمیت دینی منطبق با آموزه‌ها و تفکرات مکتبی آنها در همه زمینه‌های قانون‌گذاری، اجرا و قضاوت است. مهم‌ترین جلوه‌های اسلامی بودن نظام سیاسی ایران، در این موارد تبلور یافته است:

۱. اختصاص حاکمیت و تشریح به خداوند؛ (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۵۶)

۲. عینیت یافتن نظریه حکومتی «ولایت مطلقه فقیه»؛ (همان، اصول ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۵۶۵)

۳. شرط وجود ویژگی‌های مکتبی برای احراز پست‌ها و مسئولیت‌های کلیدی در نظام.

(همان، اصول ۹۱، ۱۱۵، ۱۶۳، ۱۵۷)

نظامی که بر اساس اصول و عقاید مردم و خواست آنان تشکیل شود، از پشتوانه مردمی برخوردار است که بزرگترین نقطه قوت سیاسی به شمار می‌رود. جمهوری اسلامی این امتیاز

و نقطه قوت را دارد؛ به‌ویژه اینکه ولی‌فقیه که در رأس حکومت قرار دارد، بر اساس تعالیم دینی و باورهای مذهبی مردم، نیابت امامت را بر عهده دارد. وجه ممیزه ولی‌فقیه از بالاترین مقام‌های حکومتی در سایر کشورها نگاهبانی وی از حریم دین و اسلامیت نظام است. براساس این رویکرد، قانون اساسی در مقدمه خود، زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را فراهم می‌کند که ضامن منحرف نشدن سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود است.

طبق اصل پنجم قانون اساسی، «در زمان غیبت حضرت ولی عصر<sup>علیه السلام</sup>، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه بر زمان، شجاع و مدیر و مدبر است».

## ۲. جمهوریت

با استقرار نظام جمهوری اسلامی در پهنه کشور ایران، حکومت از پادشاهی به جمهوری تغییر یافت و با تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، نقش‌آفرینی مردم در عرصه سیاست و قدرت به صورت قانونمند نهادینه گردید.

مهم‌ترین جنبه‌های تحقق جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی که بیانگر ایفای نقش اساسی مردم به عنوان نقطه قوت سیاسی است، عبارتند از:

### یک. تساوی حقوق ملت

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. (اصل نوزده قانون اساسی ج.۱.ا.)  
در نظام سیاسی ایران، هیچ یک از مردم در هر مقام و موقعیتی، ممتاز از دیگر شهروندان شناخته نمی‌شود؛ تا حدی که عالی‌ترین مقام رسمی کشور، یعنی رهبر «در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است». (اصل یک‌صدوهفتم قانون اساسی ج.۱.ا.)

### دو. حق انتخاب مسئولان حکومتی

یکی از جلوه‌های تحقق جمهوریت نظام سیاسی ایران، انتخاب حکمرانان و شخصیت‌های

طراز اول حکومتی از سوی شهروندان است. مردم به دو شیوه در انتخاب مسئولان حکومتی ایفای نقش می‌کنند.

در روش نخست، مردم به طور مستقیم از طریق آرای خود، از میان نامزدها برای تصدی برخی پست‌های کلیدی مانند ریاست جمهوری، (اصل یکصد و چهارده) نمایندگان مجلس شورای اسلامی (اصل شصت و دوم) و نمایندگی شوراهای اسلامی شهر و روستا (اصل هفتم) مشارکت سیاسی می‌جویند.

در شیوه دوم، مردم با انتخاب نمایندگان و وکلای خود، حق انتخاب عالی‌ترین مقام رسمی کشور (رهبر نظام) را به افراد خبره‌ای واگذار می‌کنند که صلاحیت آن‌گزینه‌ش حیاتی و سرنوشت‌ساز را دارند. (اصل‌های یکصد و هفت و یکصد و هشتم)

### سه. به رسمیت شناختن آزادی‌ها

چنان‌که گذشت، حق انتخاب حاکمان در نظام سیاسی فعلی ایران، به صورت قانونی برای مردم در نظر گرفته شده و مشارکت سیاسی شهروندان نیز مورد تأیید و تأکید قانون اساسی است. یکی از لوازم تحقق جامعه‌پذیری سیاسی و عملی ساختن مشارکت سیاسی قانون‌مند ملت، به رسمیت شناختن و تأمین آزادی مردم در ابعاد و سطوح مختلف از سوی حکومت است.

مهم‌ترین نماد آزادی، مجاز شمردن فعالیت تشکل‌های سیاسی، صنفی و مذهبی و آزادی بیان است. این حق سیاسی سرنوشت‌ساز برای عموم شهروندان در نظر گرفته شده است. در اصل ۲۶ قانون اساسی آمده است: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند».

### ۳. تفکیک قوا

تفکیک قوا، به معنای جدا بودن قدرت حکومت بین سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه است. طبق این نظریه هیچ یک از این سه قوه نمی‌توانند در کار دیگری دخالت کنند و وظیفه دیگری را انجام دهند. (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۱ / ۱۸۱)

دو نوع تفکیک قوا در دنیا وجود دارد. ۱. تفکیک مطلق قوا که هیچ یک از قوای حکومتی

بر دیگری نظارت، کنترل و تفوق ندارند. (رژیم ریاستی) ۲. تفکیک نسبی قوا که سه قوه حکومتی به نوعی بر عملکرد همدیگر نظارت و کنترل می‌کنند. (رژیم پارلمانی) در ایران پس از انقلاب، طبق اصل ۵۷ قانون اساسی «قوای حاکم بر جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت ... اعمال می‌گردند، این قوا مستقل از یکدیگرند».

در اصول ۸۷ و ۸۸ نیز بر گرفتن رأی اعتماد وزرا از مجلس و حق سؤال و استیضاح از آنان، توسط مجلس شورای اسلامی تأکید شده است. دقت در اصول یاد شده و دیگر اصول قانون اساسی نشان می‌دهد:

۱. تفکیک قوا در ایران نسبی است نه مطلق؛

۲. چون قوای سه‌گانه کشور زیر نظر ولی فقیه انجام وظیفه می‌کنند، تفکیک قوا در نظام سیاسی ایران، جدید و منحصر به فرد است.

بنابراین، تفکیک قوا به همراه تعامل قوای حاکم بر کشور زیر نظر ولی فقیه به عنوان یک نقطه قوت سیاسی برجسته برای نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

البته باید توجه کرد که تعامل قوای سه‌گانه کشور تحت ولایت مطلقه فقیه، به معنای برخورداری از آزادی کامل برای هرگونه تصمیم‌گیری و معادل حاکم در نظریه «دولت مطلقه» در نظام‌های استبدادی و دیکتاتوری نیست؛ زیرا اولاً رهبری به موجب اصل یکصد و هفتم قانون اساسی در برابر قانون با سایر افراد کشور مساوی است و ثانیاً مطلق بودن ولایت و مسوولیت بودن وی در چارچوب مصالح و منافع جامع اسلامی و شریعت است. تفاوت عمده ولایت مطلقه فقیه با حاکمان نظام‌های دیکتاتوری در این نکته ظریف نهفته است. (حائری، ۱۳۶۴: ۱۵۳)

#### ۴. استقلال در سیاست خارجی

یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کشورهای هم‌تراز، وابسته نبودن به قدرت‌های بزرگ و اتکا به توان و قابلیت‌های ملی خود است.

استقلال در سیاست‌گذاری خارجی نظام، بر اساس عقاید اسلامی نظیر «قاعده نفی سبیل» و

با عبرت آموزی از مداخلات قدرت‌های سلطه‌گر در تاریخ سیاسی اجتماعی معاصر ایران در قالب سیاست «نه شرقی، نه غربی» چراغ راه دستگاه دیپلماسی کشور شد.

به دنبال تدوین قانون اساسی و گنجاندن اصول مبنایی در آن، سیاست «نه شرقی، نه غربی» به صورت قانون‌مند به عنوان روح حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی در آمد. برخی از مهم‌ترین اصول مندرج در قانون اساسی در این ارتباط عبارتند از:

۱. عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛ (اصل ۱۵۲)

۲. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛ (اصل ۴۳)

۳. نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی، اقتصادی و فرهنگی گردد؛ (اصل ۱۵۳)

۴. تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و دفاع از حقوق آنان؛ (اصل ۱۵۲ و ۳)

۵. حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان؛ (اصل ۱۵۴)

۶. روابط صلح‌آمیز با دول غیر محارب؛ (اصل ۱۵۳)

نابراین، مطابق اندیشه‌های سیاسی اسلام که سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز بر اساس آن نهاده شده است، هم سلطه‌گری به دلیل ستمگری و تجاوز به حقوق دیگران محکوم است و هم سلطه‌پذیری؛ زیرا سلطه‌پذیری نشانه ضعف، خواری و پذیرش اسارت است. بر این اساس، استقلال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و وابسته نبودن به قدرت‌های سلطه‌گر از نقاط قوت سیاسی نظام محسوب می‌شود.

#### ۵. پرسشگری و نظارت عمومی

کنترل و نظارت همگانی شهروندان بر یکدیگر و بر دولتمردان و دستگاه‌های دولتی و نظارت دولت بر مردم یکی از شاخصه‌های مثبت فرهنگ سیاسی در هر کشور است. در جمهوری اسلامی ایران نیز این مهم به صورت قانونی رسمیت یافته و به عنوان یک هنجار اجتماعی ستودنی، در برخی از اصول قانون اساسی بر آن تأکید شده است. براساس اصل هشتم قانون اساسی «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت».

مهم‌تر از این، بر اساس اصل نود «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند». درحالی‌که این اصل مهم، حق شکایت از دستگاه‌ها و پاسخ‌گویی به مردم را ضروری می‌داند تأکید دارد که:

مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا به قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت مناسب نتیجه را اعلام کند و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند. (قانون اساسی، اصل ۹۰)

بر این اساس، رهبر فرزانه انقلاب در ارتباط با آثار پاسخ‌گویی می‌فرماید: «اعتقاد به پاسخ‌گویی، اعمال و گفتار انسان را به نوعی کنترل می‌کند و فرد در مقابل خود و در برابر جامعه احساس مسئولیت می‌نماید».

ایشان با این نگرش، در پیام نوروزی سال ۱۳۸۳، این سال را سال پاسخ‌گویی نام‌گذاری کردند: «از نظر ما، امسال سال پاسخ‌گویی مسئولان نظام به مردم است». ایشان در آغاز سال پاسخ‌گویی به مسئولان در جمع زائران حرم رضوی توصیه فرمودند که:

۱. مسئولان باید خود را مقید به پاسخ‌گویی نسبت به قلمرو مسئولیتی خود بدانند؛
  ۲. هیچ مسئولی خود را در امر پاسخ‌گویی و نقد منصفانه و اصلاح امور استثنا نکند؛
  ۳. مردم در عرصه پاسخ‌گویی باید پیگیر و قضاوت‌کننده نهایی باشند.
- به نظر می‌رسد رهبر فرزانه با نام‌گذاری سالی به نام پاسخ‌گویی و تبیین دیدگاه‌های خود طی چندین سخنرانی، در پی تغییر فضای حاکم بر جامعه و متحول ساختن رابطه مسئولان با مردم و بر عکس بودند.

### نقاط ضعف سیاسی

اگر از منظر آسیب‌شناسی سیاسی به وضعیت سیاسی جامعه ایران بنگریم، برخی ضعف‌ها در این حوزه مشاهده می‌شود. در این قسمت برجسته‌ترین آسیب‌های سیاسی درونی نظام مورد اشاره قرار می‌گیرد.



### ۱. جناح‌گرایی نامعقول

با بررسی تاریخ ربع قرن گذشته از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی تاکنون، از منظر رعایت میزان عقلانیت از جانب تشکل و جریان‌های سیاسی، با سه دوره مجزا روبه‌رو می‌شویم.

#### یک. دوره بحران‌ها (از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷)

نظام نوپای جمهوری اسلامی در این دوره با بحران‌های متعددی همانند اقدامات تروریستی گروه‌های ضد انقلاب، حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در برخی مناطق کشور، محاصره اقتصادی، کودتای نوژه و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس مواجه گردید.

در این دوره، موجودیت نظام و انقلاب را خطر دشمن مشترک تهدید می‌کرد اما نظام اسلامی از نعمت شخصیت‌های وحدت‌بخشی نظیر آیت‌الله شهید دکتر بهشتی برخوردار بود. به همین دلیل نیروهای سیاسی درون حاکمیت نظام با وجود آنکه در برخی مسائل و موضوعات سیاسی و اقتصادی اختلاف نظر و سلیقه متفاوت از هم داشتند، با رعایت سطح بالایی از عقلانیت سیاسی و رعایت خویشتنداری، در مقابل ضد انقلاب داخلی و دشمنان، مواضع و جهت‌گیری واحدی از نظر سیاسی اتخاذ کرده بودند. بنابراین، در این دوره در میان نیروهای سیاسی وفادار به انقلاب و توده مردم، کمترین سطح جناح‌بندی وجود داشت.

#### دو. دوره سازندگی (از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶)

این دوره با فروکش کردن مهم‌ترین و گسترده‌ترین بحران دهه قبل، یعنی جنگ تحمیلی و طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های زمان‌بندی شده پنج ساله توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... آغاز شد.

در این دوره فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشور، از برنامه‌های توسعه دولت سازندگی متأثر بود. اختلاف نظر پیرامون برخی روش‌های توسعه مانند میزان نقش‌آفرینی بخش خصوصی در اقتصاد کشور، مقدم بودن توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی و برعکس و نیز نوع نگرش به مقوله عدالت اجتماعی، سبب گردید تا نیروهای درون حاکمیت از نظر سیاسی به طور رسمی به دو طیف راست و چپ صف‌بندی شوند، اما با ملاحظه برخی مصالح انقلاب از سوی طرفین، جناح‌بندی آنها جنبه افراطی به خود نگرفت.

سه. دوره توسعه سیاسی و فرهنگی (از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳)

پس از برگزاری انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ دولت منتخب بر طرح‌ریزی و اجرای جنبه‌های سیاسی و فرهنگی توسعه و مقدم داشتن آن بر توسعه اقتصادی تأکید کرد و بدین ترتیب تحولات سیاسی و اجتماعی جدیدی در داخل کشور شکل گرفت. مهم‌ترین تحول رخ داده، ابراز وجود و عرض اندام تشکل‌ها و احزاب سیاسی جدید در عرصه کشور بود که موجب بروز اختلاف جدی میان نیروهای سیاسی درون حاکمیت نظام جمهوری اسلامی شد. در نتیجه آنها در دو طیف اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، در مقابل هم صف‌آرایی و جبهه‌گیری کردند. (روزنامه ایران، ۷۷/۹/۱۹، مصاحبه با سعید حجازیان)

در گذر زمان، از دوم خرداد ۱۳۷۶ تاکنون برخی از گروه‌های نوظهور موسوم به اصلاح‌طلب با نادیده گرفتن عقلانیت سیاسی، افراطی‌گرایی سیاسی را در پیش گرفتند. ولی جناح اصول‌گرا در مقابل سیاست‌زدگی افراطی آنها مقاومت نشان داد و جبهه‌گیری کرد. بدین ترتیب در عمل، بالاترین سطح جناح‌گرایی که از آن با عنوان «جناح‌گرایی افراطی و نامعقول» یاد می‌کنیم شکل گرفت و عناصر و تشکل‌های فعال سیاسی را در دو قطب متضاد در مقابل هم قرار داد.

## ۲. ترجیح منافع حزبی بر منافع ملی

احزاب و تشکل‌های سیاسی برای دستیابی به قدرت، اعمال و حفظ آن با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. مطابق قانون اساسی، در نظام جمهوری اسلامی ایران فعالان سیاسی اعم از شخصیت‌ها و تشکل‌ها، ملزم به رعایت مصالح اسلامی و منافع ملی می‌باشند. (اصل بیست و ششم) اما همچنان که بیان شد، دامن زدن به جناح‌گرایی نامعقول و نگرش سیاسی به پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی از سوی گروه‌های نوظهور و تجدیدنظرطلب سبب گردید تا برای بقای خود در عرصه قدرت و سیاست و حفظ منافع جناح سیاسی خود، منافع ملی را نادیده بگیرند. برخی از راهبردهای افراطیان سیاسی که به مقدم کردن منافع حزبی بر منافع ملی و به چالش کشیدن نظام جمهوری اسلامی منجر شد عبارتند از:

۱. نافرمانی مدنی؛

۲. طرح رفراندوم و همه‌پرسی؛

۳. آرامش فعال؛

۴. خروج از حاکمیت؛

۵. حاکمیت دوگانه؛

۶. جناحی عمل کردن در جریان برگزاری انتخابات، همانند بی‌توجهی به تأیید صلاحیت‌ها از سوی هیئت‌های اجرایی و وزارت کشور؛

۷. تهدید به استعفای استانداران، معاونان وزرا و مسئولان برخی از سازمان‌های دولتی در آستانه برگزاری انتخابات مجلس هفتم؛

۸. واتیکانیزه کردن ولایت فقیه. (نشریه پیام هاجر، ش ۳۰۶؛ پاسدار اسلام، ش ۲۴۷)

چنین راهبردهایی از سوی یک جناح سیاسی افراطی راه یافته به درون حاکمیت که در بیشتر موارد در برابر موجودیت نظام سنگ‌اندازی می‌کرد، سبب دلگرمی و جسارت دشمنان و اپوزیسیون گردید. این امر واضح‌ترین دلیل بر ترجیح منافع حزبی و جناحی از سوی افراطیان سیاست زده بر منافع ملی است.

### ۳. نگاه به بیرون

یکی از برجسته‌ترین ضعف‌ها و آسیب‌های سیاسی جدی که از جانب افراد و تشکل‌های سیاسی تجدید نظر طلب، فرهنگ‌سازی سیاسی شد، ترویج بی‌اعتمادی به توانمندی‌های خودی و ایجاد و تقویت احساس ترس و حقارت و سرخوردگی و عقب ماندگی در مقابل دشمنان نظام اسلامی بود.

آنان با نظریه‌پردازی‌های پی‌درپی در مطبوعات زنجیره‌ای و رسانه‌های ارتباط جمعی داخلی و خارجی و نیز اقدامات عملی، درصدد از میان برداشتن قبح وابستگی به دشمنان برآمدند. آقای بهزاد نبوی عضو سازمان مجاهدین انقلاب و نظریه‌پرداز جبهه دوم خرداد، به واهمه خود از آمریکا این چنین اعتراف کرد:

هیچ منطق و عقل سلیمی حکم نمی‌کند که یک کشور جهان‌سومی حتی اگر همه ملت پشتیبان حکومتش باشند و همه این ملت مسلح باشند، به جنگ نظامی با آمریکا، ابرقدرت جهان بروند. در واقع خدا و تاریخ، سردمداران ملتی

که آن کشور را به جنگ با قدرت جهان بکشاند نخواهد بخشید. این سخنان را می‌گوییم، شاید جبهه گیرند که فلانی از آمریکا می‌ترسد، بله بخاطر کشورم، مردم و انقلابم از آمریکای تا بن دندان مسلح می‌ترسم. (روزنامه اعتماد ۸۱/۷/۲۸؛ ماهنامه گزارش ۸۲/۳/۲۵: ۱۴)

درحالی‌که وی در سال ۱۳۷۴ درباره رابطه با آمریکا اعلام کرده بود:

ما اگر با آمریکا رابطه برقرار کنیم حقیقت انقلاب از دست می‌رود. از طرفی آنها فقط برای عوض کردن عقاید و رفتار ما می‌آیند.

تجدیدنظرطلبان، راه حل مشکلات اساسی کشور را دخالت قدرت‌های خارجی در امور داخلی کشور می‌دانند و بدان امیدوارند؛ زیرا آنان دچار بحران هویت گردیده و به پتانسیل‌های داخلی باور ندارند. عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب پس از طرح انسداد سیاسی به صراحت اعلام کرد:

اگر مردم با صندوق‌های رأی، یعنی اصلاحات قانونی، مسالمت‌آمیز قهر کنند دو راه پیش رویشان است: یک انقلاب و دو، امید به دخالت خارجی. (سایت اینترنتی اتحاد جمهوری خواهان ایران، نوامبر ۲۰۰۳)

احمد شیرزاد، عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی نیز برای نهادینه ساختن تئوری ترس از دشمن اعلام کرد: «برای ترسیدن، شعور ترس لازم است، بعضی‌ها ممکن است نترسند، چون شعور درک خطر را ندارند». (روزنامه یاس نو، ۸۲/۲/۲: ۲)

شماری از تجدیدنظر طلبان اصولاً معتقدند که هیچ‌گونه توطئه‌ای از سوی دشمن، موجودیت ملت و کشور را تهدید نمی‌کند. اما در مقابل، مقام معظم رهبری معتقد است:

یک عده می‌خواهند وانمود کنند که ما اصلاً دشمن نداریم. یک عده می‌خواهند وانمود کنند اصلاً توطئه‌ای علیه ملت ایران نیست. اینها هم رفیق‌های همانها هستند. در روزنامه‌ها می‌نویسند و گاهی در سخنرانی‌ها می‌گویند که اصلاً توطئه‌ای وجود ندارد. (روزنامه کیهان، ۱۳۷۷/۱/۹)

#### ۴. رخنه فرصت‌طلبان و ریزش‌ها

یکی دیگر از آفت‌ها و نقاط ضعف سیاسی درونی نظام جمهوری اسلامی، رخنه گروهی فرصت‌طلب در ارکان آن است. از آنجا که فرصت‌طلبان اعتقادی به آرمان‌های انقلاب ندارند،

زمینه را برای انحراف و دگرگونی ماهیت انقلاب فراهم می‌کنند. انقلاب اسلامی در مراحل مختلف با طیف‌هایی گوناگونی از این افراد، مواجه گردیده و در هر مقطع فراخور شرایط و مقتضیات حاکم، نسبت به اصلاح و تصفیه آنها اقدام کرده است.

فرصت‌طلبان دارای دو گرایش متفاوت از هم هستند. گروه نخست، کسانی هستند که ایده‌ای جز جاه‌طلبی، ثروت‌اندوزی و شهرت‌طلبی ندارند. این دسته بنابر شرایط پیش آمده با هر ایده‌ای همراهی کرده تا از این طریق به خواسته‌های خود دست یابند.

با این رویکرد ریزش برخی از انقلابیان سست عنصر از صف انقلاب و پیوستن آنها به جرگه مخالفان نظام برای جلب نظر قطب‌های قدرت معنا پیدا می‌کند.

گروه دوم نیز به انقلاب، مبانی و اهداف آن اعتقادی ندارند اما درصدد شکست دادن انقلاب از طرق مختلف هستند. از آنجا که این افراد قدرت مقابله با جریان انقلاب را ندارند، با تغییر ظاهر و نفوذ در داخل حاکمیت، در فرصت مناسب ضربه خود را از درون وارد می‌کنند. این گروه به صورت اپوزیسیون نامرئی در بدنه حاکمیت از طریق کارشکنی‌ها و تهدیدات درونی زمینه را برای حمله خارجی فراهم می‌کنند.<sup>۱</sup>

حضرت امام با هوشیاری و درایت خطر نفوذی‌ها را چنین بیان می‌کند:

مراقب باشید افرادی که انحراف دارند، خودشان را جا نزنند. این طور نیست  
بیایند بگویند ما انحراف داریم و آمده‌ایم با شما کار کنیم. اینها از خود شما  
شاید بیشتر نمایش بدهند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۵۰)

طی سال‌های پس از خرداد ۱۳۷۶ تاکنون رد پای ارتباط نفوذی‌های رخنه کرده در بدنه حاکمیت با دشمنان خارجی نظام در موارد متعددی آشکار شده و تا حدی کمک‌های مالی سازمان سیا به افراد دگراندیش تحت پوشش نهادهای آمریکایی همانند سازمان دیدبان حقوق بشر برملا شده است. بوش کوچک مراتب خرسندی خود را از رخنه نفوذی‌های مورد حمایت آمریکا چنین اعلام کرد:

---

۱. افرادی مانند مسعود بهنود در عرصه مطبوعات، بهروز گرانمایه و حسینعلی قاضیان تحت پوشش مؤسسه نظرسنجی آینده از این دسته‌اند.

من نقاط ضعف ایران را مطالعه کردم که بسیار امیدوار کننده بود. سربسته بگویم که فعالیت‌های سیاسی و مالی ما در این چند سال کارگر افتاده است. (شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۴)

##### ۵. ناکارآمدی نظام اداری

یکی از واقعیت‌های تلخ و مرتبط با ضعف‌های درونی، متناسب نبودن ساختار اداری کشور با منزلت و جایگاه انقلاب و متحول نشدن ساختار اداری کشور است. در حال حاضر نظام اداری کشور بنا بر دلایل پیش رو از کارآمدی مطلوب برای جلب رضایت شهروندان برخوردار نیست.

۱. پراکندگی مسئولیت و چند شغله بودن مدیران؛

۲. ضعف انضباط اداری؛

۳. کم‌توجهی و بی‌اعتنایی به اصل شایسته‌سالاری در عزل و نصب مدیران؛

۴. بی‌اعتنایی به اصل چرخش مدیران و گردش نخبگان؛

۵. ضعف دانش مدیران و نبود مکانیسم آموزش‌های لازم؛

۶. فقدان امنیت شغلی؛

۷. نارسایی و به روز نبودن قوانین و دستورالعمل‌های اداری؛

۸. کم‌توجهی به اصل قانون‌گرایی و گریز از مجرای قانون، از سوی مسئولان؛

۹. نابابوری برخی مسئولان و دستگاه‌ها به ارزش خدمت‌رسانی به ارباب رجوع؛

۱۰. فقدان سیستم نظارتی کارآمد و لازم‌الاجرا نبودن بازرسی‌های نظارتی؛

۱۱. تکیه مدیران غیر متخصص بر جایگاه‌های تخصصی.

آمار، بیانگر این واقعیت تلخ است که شمار نیروی انسانی فعال در بخش‌های مختلف دولتی از حدود ۱/۱ میلیون نفر در اول انقلاب به بیش از ۲/۲ میلیون نفر در پایان دهه ۱۳۷۰ رسیده است، (روزنامه رسالت، ۱۳۷۹/۲/۲۹) در حالی که به طور روزافزون میزان و سطح نارضایتی مردم از عملکرد خدمت‌رسانی دستگاه‌های دولتی افزایش یافته است.

پیامدهای تلخ و ناگوار سیستم اداری بیمار کشور و فساد بعضی از دولتمردان (ابرار ۸۱/۷/۱۴)

سبب گردیده که در بیشتر موارد، حقوق عمومی ملت تضییع گردد و مردم برای سر و سامان

بخشیدن به مشکلات خود به روش‌های غیر اسلامی و ناهنجاری‌های اداری غیر ارزشی همانند رشوه، (روزنامه انتخاب، ۷۹/۹/۶؛ جام جم، ۷۹/۳/۲۴) رابطه‌گرایی (نشریه جوان، ۱۲ و ۸۱/۱۲/۱۳) و خویشاوندسالاری (نشریه قدس، ۱۶ و ۱۹ و ۷۹/۶/۲۰) روی آورند و به جایگزینی روابط به جای ضوابط پناه ببرند.

انقلاب اداری در ایران باید با هدف نوسازی معنوی روابط «دولت و ملت» برای ایجاد دولت شایسته، کارآمد، مقتدر و مردمی طراحی و اجرا گردد. در این صورت، تأمین و گسترش عدالت در نظام اداری، ارتقای رضایت‌مندی ارباب رجوع، افزایش دانش، عزت و مدیریت نیروی انسانی را به دنبال خواهد داشت.

### فرصت‌های سیاسی

در حال حاضر وضعیت و شرایط حاکم بر محیط سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، موقعیت زمانی مناسبی را پیش روی دست‌اندرکاران سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی قرار داده تا با بهره‌برداری صحیح از فرصت‌های سیاسی پیش آمده، منافع ملی و اسلامی را تحکیم بخشند. برخی از مهم‌ترین فرصت‌های سیاسی فرا رو عبارتند از:

#### ۱. تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها

نظام بین‌المللی حاکم بر کشورها از پایان جنگ دوم جهانی تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (آغاز دهه ۹۰) نظام دو قطبی با رقابت ایالات متحده در رأس بلوک غرب و شوروی سابق در رأس بلوک شرق بود. در طول این مدت، هیئت حاکمه و نظریه پردازان آمریکایی به بهانه مبارزه با کمونیسم، مبانی نظری و اقدامات عملی مداخله‌گرایی آمریکا در سایر نقاط دنیا را توجیه می‌کردند. پس از فروپاشی شوروی و از میان رفتن بهانه مبارزه با آن، برخی نظریه‌پردازان و اندیشمندان آمریکایی همانند فرانسیس فوکویاما با ارائه نظریه «پایان تاریخ»، شکست رأس هرم اردوگاه شرق را دال بر پیروزی سرمایه‌داری لیبرال در جهان و پایان تضاد ایدئولوژیک دانستند و مدعی شدند که از آن پس تمامی بشریت ناگزیر از تبعیت از ارزش‌های لیبرال دمکراسی غرب هستند.

در مقابل، شماری از نظریه‌پردازان محافظه‌کار غربی همانند ساموئل هانگتینتون و همتای فکری او برنارد لوئیس، با رد نظریه فوکویاما و همفکران او، الگوی تقابل و رویارویی تمدن‌ها را مطرح کردند. هانگتینتون معتقد بود که تضاد و احتمال برخورد میان تمدن‌های بشری پس از فروپاشی شوروی اجتناب‌ناپذیر است. به خصوص تقابل میان تمدن اسلام با تمدن مسیحی غرب جایگزین برخورد میان آمریکا و شوروی خواهد شد.

او با استناد به چنین نظریه‌ای پیشنهاد کرد که غرب باید هم‌چنان مانند دوران جنگ سرد به برتری نظامی خود ادامه دهد. طرح این نظریه توجیهی برای مداخله‌گرایی آمریکا و کاربرد خشونت علیه ملت‌ها از سوی آنها شد. هانگتینتون معتقد است: «برخوردهای خطرناک آینده به احتمالی از تقابل گستاخی غربی، نابردباری اسلامی و پرخاشگری چینی به وجود خواهد آمد». (علمداری، ۱۳۸۱: ۱۹)

بر اساس این نظریه، کشورهای اسلامی منطقه به‌ویژه ایران، نقطه تهدید اصلی در مقابل تمدن مسیحی غرب و خشونت‌طلب به حساب آمد. آنها برای القای این نکته از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و ... درصدد ارائه چهره‌ای خشن و افراطی از ایران و کشورهای اسلامی برآمدند. در این فضا رئیس‌جمهوری اسلامی ایران با ارائه نظریه «گفتگوی تمدن‌ها» در مقابل نظریه تقابل تمدن‌های هانگتینتون ضمن سلب فرصت از بازیگر رقیب، فرصت ویژه‌ای را در اختیار دست‌اندرکاران دستگاه دیپلماسی قرار داد تا فرهنگ، اعتقادات، نگرش‌ها و رویکردهای مثبت انسان‌دوستانه مردم ایران، به سایر ملت‌ها عرضه شود.

با نامگذاری سال ۲۰۰۱ میلادی به نام سال «گفتگوی تمدن‌ها» در مجمع عمومی سازمان ملل، فرصت سیاسی پیش آمده از این حیث برای سیاست‌گذاران خارجی جمهوری اسلامی، تثبیت شد. (منصورنژاد و خلیلی، ۱۳۸۱)

این فرصت به همراه تنش‌زدایی در سیاست خارجی، تبلیغات دامنه‌دار رسانه‌های گروهی و مقامات سیاسی دنیای غرب علیه جمهوری اسلامی را خنثی کرد. برآیند آن پروژه و این جهت‌گیری، ارائه تصویری صلح‌طلبانه و فرهنگ‌دوستانه از ملت ایران نزد افکار عمومی منطقه و جهان بود. همین مسئله، فرصت جدیدی برای بهره‌برداری از فضای پیش آمده در



اختیار دست‌اندرکاران دستگاه سیاست خارجی و تبلیغات بین‌المللی جمهوری اسلامی قرار داد تا اقدامات واشنگتن را برای منزوی‌سازی ایران، در عمل به شکست بکشانند.

## ۲. شکست سیاست‌های آمریکا در عراق و افغانستان

پس از فروپاشی نظام شوروی سابق و از بین رفتن بهانه مبارزه با کمونیسم، واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م، فرصتی در اختیار بوش کوچک و تیم نظامی کابینه او قرار گرفت تا به بهانه مبارزه با تروریست، برخی دولت‌های وابسته به خود که تاریخ مصرف آنها برای بهره‌برداری سیاسی از سوی واشنگتن به سر آمده بود، مورد تهدید و تهاجم نظامیان آمریکا قرار دهد.

حمله به افغانستان، به بهانه دست داشتن گروه متعصب «طالبان»، «سازمان القاعده» و مؤسس آن، یعنی اسامه بن‌لادن در عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر و اشغال این کشور و نیز تهاجم به دیگر همسایه جمهوری اسلامی و فروپاشی بساط حکومت دولت دیرینه و آمریکایی صدام و اشغال سرزمین اسلامی عراق به بهانه استقرار دموکراسی و مبارزه با تروریسم صورت پذیرفت.

اما عملکرد خشونت‌بار و ضد انسانی آمریکایی‌ها در دو کشور مزبور، عکس‌العمل‌های اعتراضی مردم این دو کشور، نخبگان و شخصیت‌های سیاسی آنها، مردم دنیا، به خصوص ملت آمریکا را در قالب تظاهرات و راهپیمایی به نمایش گذاشت.

طولانی شدن مدت حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان، تلفات زیادی بر آنان تحمیل کرد. در برخی موارد، خسارت‌های وارد شده بر آمریکایی‌ها، آنان را به عکس‌العمل ضدبشری و انجام جنایات جنگی علیه غیر نظامیان سوق داد. نمونه بارز آن، اقدام جنگنده‌های آمریکایی در بمباران یک مجلس عروسی بود که ده‌ها کشته و مجروح بر جای گذاشت؛ تا حدی که حامد کرزای و کابینه او را به عکس‌العمل انتقادی وا داشت و خواستار هماهنگی اشغالگران آمریکایی با دولت افغانستان در عملیات نظامی در مناطق مختلف کشور شدند. اما کاخ سفید با بی‌اعتنایی به درخواست کرزای اعلام کرد که آمریکا در انجام عملیات در افغانستان به تشخیص خود عمل خواهد کرد و منتظر اخذ مجوز از دولت افغانستان نمی‌ماند. این در حالی است که تاکنون آمریکا از دستگیری مردان شماره یک القاعده و طالبان ناکام و از برقراری امنیت در این کشور عاجز مانده است.

مردم عراق نیز تحت حکومت دیکتاتوری آمریکایی‌ها قرار گرفته‌اند و حتی حق مشارکت در حکومت را هم ندارند. گرچه در عکس‌العمل به این رویکرد، نیروهای اشغالگر به طور متوسط بیش از ده بار در هفته هدف حمله قرار می‌گیرند و هر روز بر شمار جنازه‌های نظامیان آمریکایی افزوده می‌شود و شاهد برگزاری تظاهرات ضد جنگ در داخل آمریکا نیز بوده‌ایم. بالا رفتن روز افزون تلفات، افت پرستیژ سیاسی، تنزل قدرت نظامی اشغالگران و فرسایشی شدن جنگ، فرصت پیش آمده برای دولت مردان آمریکایی را به تهدید جدی برای آنان تبدیل کرده است. اما در مقابل، فرصت‌های سیاسی ارزشمندی را فرا روی ایران قرار داده که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. عمومیت یافتن انزجار از آمریکا نزد ملت‌های جهان و مشروعیت یافتن مخالفت‌های ایران با سیاست‌های مداخله‌گرایانه و یک‌جانبه آمریکا؛
۲. تمایل تدریجی مردم عراق برای الگو برداری از سیستم حکومتی و نظام سیاسی ایران به دنبال پی‌بردن به سراب دموکراسی آمریکا؛
۳. افزایش سطح جسارت دولت‌ها و ملت‌ها و گسترش روحیه اعتماد به نفس در میان آنها در پی کاهش پرستیژ و پایان یافتن افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا؛
۴. شکل‌گیری زمینه همگرایی اعتقادی و سیاسی ملت‌های مسلمان منطقه پس از موضع‌گیری‌های سیاسی و حمایت‌های مادی و معنوی مردم مسلمان و دولت اسلامی ایران از ملت‌های مسلمان عراق و افغانستان

### ۳. فروپاشی نظام بعث

یکی از نقاط اشتراک میان مردم عراق و ایران، مسلمان بود بیشتر شهروندان دو کشور است که رابطه قلبی و همگرایی اعتقادی میان دو ملت را محکم‌تر می‌کند. شیعیان عراق حدود ۲۳ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، اما در طول تاریخ معاصر به حاشیه رانده شده بودند. رژیم قبلی حاکم بر عراق، علاوه بر دخالت ندادن شیعیان در حکومت، اقدامات خصمانه و سرکوب‌گرانه‌ای را در قبال آنها در پیش گرفته بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، صدام حسین به این جهت‌گیری خصمانه شدت چشمگیری

بخشید. شاید یکی از علت‌های اصلی چنین خصومتی، ترس رژیم بعثی از الهام‌گیری شیعیان عراق از انقلاب اسلامی و حکومت ایران بود.

با فروپاشی حزب بعث و شرایط پیش آمده پس از اشغال عراق از سوی آمریکا زمزمه‌هایی از سوی اکثریت شیعیان عراق مبنی بر بازیافت حق نسبی خود در کرسی‌های حکومت جدید در فضای آن سرزمین شنیده می‌شود. گرچه در سهم‌دهی به شیعیان به نسبت جمعیت آنها حداقل انصاف نیز رعایت نشده است.

با وجود این، فروپاشی نظام بعث یک تهدید جدی را از پیش روی جمهوری اسلامی ایران برداشته است. در مقابل، حاکمیت نسبی شیعیان در عراق، یک فرصت سیاسی استثنایی و بزرگ برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده است. شیعیان عراق به هر نظام یا سیاستی تن دهند، دشمنی ایران را بر نمی‌تابند و این امر به معنای پایان دوران جنگ سرد و رقابت سنتی ایران و عراق است. آنچه اهمیت اساسی دارد، استفاده بهینه مسئولان نظام جمهوری اسلامی از این فرصت و تبدیل آن به تهدید برای آمریکا و اسرائیل در منطقه است. بدین معنا که در صورت حاکمیت یافتن واقعی شیعیان عراق نسبت به سهم جمعیت آنها در عرصه قدرت و سیاست این کشور، شیعه به یک قطب تأثیرگذار بر تحولات منطقه تبدیل خواهد شد.

#### ۴. فروپاشی طالبان

ظهور یک سازمان اسلامی افراطی به نام طالبان در افغانستان، طی دهه هفتاد شمسی (نود میلادی) و ارائه عملکردی خشن و غیرمنعطف از خود از منظر سیاسی فرصتی استثنایی را در اختیار دولتمردان و دستگاه‌های تبلیغاتی غرب به خصوص آمریکایی‌های طرفدار نظریه رویارویی تمدن‌ها قرار داد تا با استناد به رفتارهای غیر عقلایی این گروه، تبلیغات دامنه‌دار و گسترده‌ای را علیه دین اسلام و پیروان آن سازماندهی و اجرا کنند. به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان و ضدیت افراطی آنها با آموزه‌های شیعی، به یک تهدید جدی علیه امنیت و منافع ملی و تفکرات سیاسی ایران تبدیل شد. تهدیدات طالبان علیه جمهوری اسلامی در برخی از عملکردهای آنان جلوه‌گر شد؛ از جمله آنها می‌توان به شهادت دیپلمات‌های جمهوری اسلامی در مزار شریف در ۱۳۷۷/۵/۱۷ و ارسال گسترده مواد مخدر به ایران با

هدف معتاد کردن جوانان شیعه اشاره کرد. (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۶۴ - ۶۲) در هر حال، فروپاشی چنین سازمان مخوف و خطرناکی در همسایگی ایران که تهدیدی سیاسی، فکری و نظامی محسوب می‌گشت، فرصت ویژه‌ای را در اختیار مردم و مسئولان نظام جمهوری اسلامی قرار داد تا زمینه‌های همگرایی و نزدیکی سیاسی دو ملت به یکدیگر را فراهم آورد.

##### ۵. نقش‌آفرینی روزافزون مردم در تحولات خاورمیانه

طی سال‌های اخیر، تحولات خاورمیانه به سمت نقش‌آفرینی بیشتر مردم و اثرگذاری آنان در سیاست و سرنوشت جامعه خود پیش رفته است.

این امر در راستای منافع و فرصت‌های پیش آمده برای جمهوری اسلامی ارزیابی می‌گردد. بررسی موردی هر یک از بازیگران سیاسی منطقه خاورمیانه حکایت از فرصت سیاسی منحصر به فرد و استثنایی این مناطق دارد که در صورت درک صحیح و بهره‌برداری بهینه از آن، موقعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی به عنوان تنها نظام سیاسی مستقل و الگوی ملت‌ها، بیش از پیش نمایان و تهدیدات دشمنان نظام اسلامی ناکام خواهد ماند.

اخراج اشغالگران صهیونیست به وسیله مردم مسلمان و جنبش انقلابی حزب‌الله لبنان از جنوب این کشور، شکست ارتش مدرن اسرائیل از گروه نامنظم حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه، انتفاضه مردم مسلمان فلسطین علیه غاصبان صهیونیست و الگو برداری آنها از مدل مقاومتی مردم ایران، شکستن انحصار قدرت و برگزاری انتخابات مجلس در کویت، شکل‌گیری جو ضدآمریکایی و نفرت از مداخله‌گرایان واشنگتن در میان مردمان مصر، عربستان، سوریه و ... نمونه‌های بارزی از ایفای نقش مؤثر مردم در تحولات خاورمیانه است.

##### تهدیدات سیاسی

در کنار فرصت‌های سیاسی ارزشمندی که در اختیار دست‌اندرکاران سیاسی نظام جمهوری اسلامی قرار دارد، از منظر سیاسی تهدیدات متعددی نیز نظام اسلامی را با چالش مواجه ساخته است. موارد پیش رو، برخی از مهم‌ترین تهدیدات سیاسی خارجی علیه نظام جمهوری اسلامی هستند.

## ۱. جنگ روانی سیاسی

منظور از جنگ روانی، طراحی و بهره‌گیری هدفمند از تبلیغات و سایر اقداماتی است که هدف اصلی طراحان آن اثرگذاری و نفوذ در باورها، اعتقادات، عواطف و احساسات، تمایلات و رفتار ملت‌ها و دولت‌های متخاصم، بی‌طرف و هم‌پیمان به منظور دستیابی به اهداف ایدئولوژیک و ملی است.

ابعاد، پیچیدگی و قدرت اثربخشی عملیات روانی در گذر زمان رو به افزایش است. مهم‌ترین عامل گستردگی، پیچیدگی و قدرت بالای اثرگذاری عملیات‌های روانی، در دهه‌های پایانی قرن بیستم، مدیون بهره‌برداری از علوم گوناگون، به خدمت گرفتن وسایل ارتباط جمعی و تبلیغات و نیز استخدام پژوهشگران و صاحب‌نظران اندیشمند از سوی سیاست‌مداران و دست‌اندرکاران مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این عرصه بوده است. امروزه با رشد فناوری و علوم ارتباطات در دهکده جهانی، جنگ روانی بخش مهمی از فعالیت‌های برون‌مرزی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بازیگران بین‌المللی، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های اطلاعاتی آنهاست که در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی جریان دارد.

ایالات متحده، قدرتی هژمون طلب، سلطه‌گر و مداخله‌جوست که پس از جنگ دوم جهانی، عملیات روانی را در موارد متعدد و ابعاد گسترده‌ای علیه سایر کشورها به کار گرفته است. به عنوان نمونه سازمان سیا از تاکتیک‌های جنگ روانی در طول جنگ ویتنام در سطح وسیعی استفاده کرد: «فقط در ماه مه ۱۹۶۸ میلادی ۳۰۰ میلیون جزوه برای جنگ روانی بر سر مردم ویتنام ریخته شده است. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۲/۲۶)

از آغاز پیروزی انقلاب تاکنون، تلاقی و اصطکاک استقلال‌طلبی جمهوری اسلامی و مداخله‌گرایی ایالات متحده اقدامات خصمانه واشنگتن را علیه تهران برانگیخته و ایالات متحده در طی ربع قرن گذشته، در بیشتر اقدامات خصمانه خود علیه ایران نظیر جنگ تحمیلی و سیاست مه‌ار دو جانبه و ...، از تاکتیک‌های عملیات روانی علیه ملت و دولت ایران بهره گرفته است. هیئت حاکمه آمریکا ضمن توجه به تجربه اقدامات ناموفق قبلی، اکنون در دهه سوم انقلاب استفاده گسترده از شیوه‌های جنگ روانی را برای براندازی جمهوری اسلامی در دستور کار خود قرار داده است.

واشنگتن با اتکا به توانمندی‌های تبلیغاتی، طی سال‌های اخیر به صورت مداوم اتهامات سنتی و تکراری را در جریان عملیات روانی از سوی دست‌اندرکاران سیاست خارجی و دستگاه‌های تبلیغاتی خود علیه تهران، به افکار عمومی داخلی ایالات متحده به ایران و جامعه بین‌المللی القا می‌کند. این اتهامات عبارتند از:

۱. تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی هسته‌ای؛
۲. بهره‌گیری از تروریسم؛
۳. نقض حقوق بشر؛
۴. اخلال در روند صلح خاورمیانه؛
۵. فقدان دموکراسی؛
۶. وجود حاکمیت دوگانه انتصابی و انتخابی؛
۷. اسطوره‌سازی و حمایت از مخالفان و منتقدان نظام، نظیر اعطای جوایز بین‌المللی و نیز جایزه صلح نوبل به آنان.

## ۲. طرح خاورمیانه بزرگ

یکی از حساس‌ترین و پر تنش‌ترین مناطق بحرانی دنیا، منطقه استراتژیک خاورمیانه است. این منطقه که زمانی مهد و خاستگاه تمدن‌های اولیه بشری و محل ظهور پیامبران و شکل‌گیری ادیان بزرگ بوده، امروزه همچنان اهمیت خود را به عنوان مرکز ثقل سیاست‌های بین‌المللی حفظ کرده است.

استراتژیست‌ها و دولتمردان آمریکایی با درک بیش از پیش اهمیت استراتژیک خاورمیانه، با وضع واژه جدید «خاورمیانه بزرگ» درصدد بسط و گسترش قدرت سیاسی خود در این منطقه بر آمده‌اند. این واژه اولین بار از سوی شیمون پرز، نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی مطرح شد. در دوران اخیر نیز کالین پاول وزیر خارجه آمریکا و بعد از آن نیز دیک چنی، معاون رئیس جمهور آمریکا آن را مطرح کردند.

«خاورمیانه بزرگ» طرحی است برای تبدیل منطقه استقرار کشورهای مسلمان به منطقه‌ای صددرصد آمریکایی و منطبق با خواست این کشور که درصدد تأمین امنیت اسرائیل به عنوان

برج دیده‌بانی غرب و آمریکا در میان کشورهای اسلامی و در امتداد آن، تأمین امنیت ایالات متحده است.

طرح مذکور، تغییر اساسی در وضع موجود در کشورهای اسلامی را تعقیب می‌کند. در این تغییر منطقه‌ای، هم‌زمان چند راه‌کار و محور مد نظر قرار دارد. از منظر طراحان، حکومت‌هایی مثل ایران، یاغی، سرکش، منبع ایدئولوژیک و الهام‌بخش برای سایر کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه هستند. آنان معتقدند که در نظام‌های سیاسی الهام‌بخش همانند ایران باید تغییر رژیم از طریق فروپاشی داخلی صورت گیرد. آنان معتقدند که ایران نباید «شهید» شود؛ زیرا در این صورت زایش و رویش پیدا می‌کند. جریان عاشورا گواه صادقی بر این مدعا است. از دید استراتژیست‌های آمریکا و اسرائیل در طرح خاورمیانه بزرگ، ایران یک قدرت برخوردار از نقش نرم‌افزاری است که همانند شوروی سابق باید از درون از هم فروپاشد و شکست بخورد؛ چراکه در صورت حمله سخت‌افزاری از بیرون به آن، امکان شهادت این الگو وجود دارد، اما شکست آن غیر ممکن است. براساس این رویکرد یکی از تهدیدات سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران طرح خاورمیانه بزرگ و اقدام عملی در راستای تحقق آن است. روند ایجاد N.G.Oها یا سازمان‌های غیر دولتی و نیز ایجاد مناطق آزاد تجاری جزو مواردی است که آمریکا با تکیه بر آن می‌تواند مدل اندیشه و زندگی شهروندان کشورهای اسلامی را غربی کرده و رفتار آنها را مطابق میل خود تغییر دهد. (اداره سیاسی سپاه، ۱۳۸۳: ۱۳۰)

### ۳. جهانی‌سازی سیاست

پس از پیروزی انقلاب، اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه‌های مکتب‌رهای بخش اسلام پی‌ریزی شد. برخی اصول و اهداف سیاست خارجی ایران امروز چنین‌اند:

۱. اعتقاد به برقراری حکومت جهانی اسلام؛

۲. حمایت از مستضعفان جهان در مقابل مستکبران؛

۳. دفاع از حقوق مسلمانان در سراسر جهان؛

۴. اجرای سیاست نه شرقی، نه غربی.

با وجود این، جهانی‌سازی سیاست با محوریت ایالات متحده آمریکا در پی برقراری حکومت جهانی به رهبری مسیحیت صهیونیستی دولت آمریکاست که حمایت از مستضعفان، در نگاه آنها مردود و مذموم بوده، مسلمانان جهان تروریست شمرده شده‌اند و هر کس با آن همراه نباشد، علیه او به حساب می‌آید. به این ترتیب هر یک از اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تناقض آشکار با جهانی‌سازی به شیوه و سبک غربی است. علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران، نظام حاکم بر جهان را نظامی غیر عادلانه، زورگو و غارتگر می‌شناسد که برای معنویت و عقلانیت الهی و آسمانی، ارزش قائل نیست؛ با فرض جهانی شدن سیاست به معنای غربی‌سازی ارزش‌های سیاسی حاکم بر سایر جوامع، به طور قطع اسمی از معنویت و عقلانیت به گوش نخواهد رسید و مداخله‌گرایی و یک‌جانبه‌گرایی سیاست بین‌المللی نهادینه خواهد شد. (شیروودی، بی‌تا)

#### ۴. تلاش برای ایجاد نظام تک قطبی

از جنگ دوم جهانی تا فرو پاشی شوروی در دهه ۹۰ میلادی در نظام دو قطبی حاکم بر روابط بین‌الملل، هیچ یک از کشورها حتی آمریکا و شوروی در مقام ابرقدرتی، امکان تعقیب و عملی ساختن خط مشی یک جانبه‌گرایی را نمی‌یافتند. در این فضا کشورهای جهان سوم و از جمله ایران نیز متأثر از رقابت آمریکا و شوروی، فرصت و امکان بیشتری برای عرضه آموزه‌های آزادی‌خواهانه و رهایی‌بخش استقلال‌طلبانه خود می‌یافت؛ زیرا هر یک از دو ابرقدرت برای جلوگیری از حاکمیت دیگری بر این کشورها تلاش می‌کردند و در این فضا، موضوع «استقلال» آنها معنا می‌یافت.

با فروپاشی شوروی سابق و برجیده شدن نظام دو قطبی و تلاش سیاست‌گذاران خارجی واشنگتن برای تحقق نظم نوین تک قطبی، فضا و بستر عرض اندام برای کشورهای مستقلی همانند ایران تنگ‌تر شد؛ زیرا اکنون آمریکا مصمم است که همه نظام‌های سیاسی مستقل را به پذیرش ارزش‌ها و معیارها و مدل آمریکایی وادارد. بر این اساس می‌توان فرو پاشی نظام دو قطبی را تهدیدی سیاسی برای کشورهای جهان سوم، از جمله ایران به حساب آورد. علاوه بر این، ارگان‌ها و نهادهای بین‌المللی وابسته و غیر وابسته به سازمان ملل متحد



همواره منافع قدرت‌های بزرگ را بر منافع سایر بازیگران بین‌المللی ترجیح می‌دهند. نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ در تأسیس و راه‌اندازی سازمان‌های بین‌المللی سبب گردیده تا آنها در ترکیب اعضا، ساختار و مکانیسم تصمیم‌گیری آن سازمان‌ها نقش محوری و به تبع آن تأمین منافع خود را ملاحظه کنند. هم‌اکنون اثرگذاری دشمن اصلی ایران (آمریکا) و هم‌فکران او (فرانسه، انگلستان) بر نهادهای بین‌المللی نظیر شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نفوذ در آنها به عنوان یک تهدید سیاسی علیه جمهوری اسلامی محسوب می‌شود؛ زیرا آنها با استفاده ابزاری از جایگاه نهادهای بین‌المللی در صدد فشار آوردن به ایران و منزوی‌سازی آن در هنگام تصمیم‌گیری‌های سیاسی مهم هستند.

### نتیجه

بازی در عرصه سیاست، مشغله‌ای انفرادی و شخصی نیست؛ بلکه مقوله سیاست با نقش‌آفرینی دوستان و دشمنان و رقیبان، جنبه اجتماعی به خود می‌گیرد. با این فرض، همچنان که در سطح خرد، افراد و فعالان سیاسی هواداران و مخالفانی دارند، در سطح کلان نیز نظام‌های سیاسی و دولت‌های ملی در کنش و واکنش تعاملی یا رقابت‌آمیز، روابط خود را با یکدیگر در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی - امنیتی سامان می‌دهند. نظام نوپای جمهوری اسلامی از منظر سیاسی، پس از پی‌ریزی مدل منحصربه‌فرد مردم‌سالاری دینی بر اساس اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه از بهمن سال ۱۳۵۷ تا سال‌های ابتدایی دهه چهارم انقلاب اسلامی، با طی فراز و نشیب‌های فراوان و با بهره‌گیری بهینه و به‌هنگام از فرصت‌ها و کاستن از دامنه ضعف‌ها و تهدیدها، قوت‌های سیاسی خود را گسترش داده است؛ تا حدی که نه تنها بسترسازی برای افزایش ضعف‌ها و تحقق عملی تهدیدها با شکست مواجه شده، بلکه امروز الگوبرداری از مدل حکومتی و نظام سیاسی ایران، وجهه همت اسلام‌گرایان و آزادی‌خواهان جهان به‌ویژه در منطقه استراتژیک خاورمیانه شده است. در واقع، ایران امروز از نظر سیاسی، ژئوپلیتیک اثرگذار بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است که شیوه‌های کشورداری و مدل تعامل موفق را با سایر بازیگران بین‌المللی از طریق نفی سلطه‌پذیری، پیش روی ملت‌ها قرار داده است.

## منابع و مأخذ

- اداره سیاسی سپاه، ۱۳۸۳، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال سوم، شماره ۱۱، بهار ۸۳.
- امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۹، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی، *آمریکا از نگاهی دیگر*، شماره ۱۳۸۲/۱/۱۸.
- بی‌نا، ۱۳۷۵، «نگاهی به سمت و سوی سیاست خارجی آمریکا در گفتار رسمی»، *نشریه خبرگزاری جمهوری اسلامی*، شماره ۳، شهریور ۷۵.
- بی‌نا، ۱۳۷۸، «شهادت دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی»، *دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، مجله سیاست خارجی*، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان ۷۸.
- بی‌نا، ۱۳۷۹، «خویشاوند سالاری»، *نشریه قدس*، ۱۶ و ۱۹ و ۷۹/۶/۲۰.
- بی‌نا، ۱۳۸۱، «رابطه‌گرایی»، *نشریه جوان*، ش ۱۲، ۸۱/۱۲/۱۳.
- بی‌نا، ۱۳۸۲، «تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم»، *نشریه آبادی*، ۸۲/۱/۲۷.
- بی‌نا، ۱۳۸۳، «خاورمیانه، آسیایی یا آمریکایی»، *هفته نامه صبح صادق*، ۱۳۸۳/۴/۱.
- حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۴، *تشیع و مشروطیت*، تهران، امیرکبیر، چ دوم.
- *روزنامه ابرار*، ۱۳۷۴/۲/۱.
- *روزنامه ابرار*، ۸۱/۷/۱۴.
- *روزنامه اعتماد*، ۸۱/۷/۲۸.
- *روزنامه انتخاب*، ۷۹/۹/۶.
- *روزنامه ایران*، ۱۳۸۱/۱۰/۱.
- *روزنامه ایران*، ۱۹ آذر ۷۷ مصاحبه با سعید حجاریان.
- *روزنامه جام جم*، ۷۹/۳/۲۴.
- *روزنامه رسالت*، ۱۳۷۹/۲/۲۹.
- *روزنامه رسالت*، ۸۲/۷/۸.
- *روزنامه کیهان*، ۱۳۸۱/۱۱/۱۹.
- *روزنامه کیهان*، ۱۳۶۴/۲/۲۶.

- روزنامه کیهان، ۱۳۷۷/۱/۹.
- روزنامه یاس نو، ۸۲/۲/۲.
- روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور مهر و آبان ۱۳۸۲.
- سایت اینترنتی اتحاد جمهوری خواهان ایران، نوامبر ۲۰۰۳.
- شیرازی، علی، ۱۳۸۱، *فتنه نفوذی‌ها*، تهران، بی‌جا، بی‌نا.
- شیرودی، مرتضی، بی‌تا، *جهانی شدن در عرصه فرهنگ و سیاست*، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- علمداری، کاظم، ۱۳۸۱، *برخورد تمدن‌ها و گفتگوی تمدن‌ها*، تهران، توسعه، چ دوم.
- علی بابایی، غلامرضا، ۱۳۶۹، *فرهنگ علوم سیاسی*، ج ۱، تهران، ویس، چ دوم.
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
- گفتگو با دکتر پیروز مجتهدزاده، *نشریه خراسان*، ۱۳۷۸/۱/۲۱.
- ماهنامه گزارش، ۸۲/۳/۲۵.
- متن کامل سخنرانی بوش در ۱۳۸۰/۱۱/۹ در نشست مشترک مجالس سنا و نمایندگان، ماهنامه ضمیمه شماره ۲۶۵۹ *روزنامه همشهری*، ۱۳۸۰/۱۲/۵.
- متن کامل مذاکرات کمیته فرعی کمیسیون روابط خارجی سنا «فروش‌های تسلیحاتی ایران»، ۱۳۷۶، *نشریه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران*، شماره ۱۳۷۶/۵/۵.
- منصورنژاد، محمد و اسماعیل خلیلی، ۱۳۸۱، *گفتگوی تمدن‌ها از منظر اندیشمندان ایرانی*، تهران، توسعه.
- *نشریه پاسدار اسلام*، ش ۲۴۷.
- *نشریه پیام هاجر*، ش ۳۰۶.
- *نشریه جام جم*، ۸۱/۱۲/۸.
- *نشریه خبرگزاری جمهوری اسلامی*، ۱۳۷۵، شماره ۱ آذرماه ۱۳۷۴.
- *نشریه شما*، ش ۲۹۱.
- *نشریه گزارش*، شماره ۱۰۸ بهمن ۱۳۷۸.
- نوری، عبدالله، ۱۳۸۲، *شوکران اصلاح*، تهران، طرح نو.

